

1 (CCE.M)2

Persian—II

(30)

Time : Three Hours]

[Maximum Marks : 300

INSTRUCTIONS

- (i) Answers must be written in Persian.
- (ii) All questions carry equal marks.
- (iii) The answer to each question or part thereof should begin on a fresh page.
- (iv) Your answer should be precise and coherent.
- (v) The part/parts of the same question must be answered together and should not be interposed between answers to other questions.
- (vi) Candidates should attempt all questions.
- (vii) If you encounter any typographical error, please read it as it appears in the text-book.
- (viii) Candidates are in their own interest advised to go through the General Instructions on the back side of the title page of the Answer Script for strict adherence.
- (ix) No continuation sheets shall be provided to any candidate under any circumstances.
- (x) Candidates shall put a cross (×) on blank pages of Answer Script.
- (xi) No blank page be left in between answer to various questions.

EFG-45611

1

Contd.

(ج) فرزندان والا گوهر نونه های فرخ نژاد و امیران بزرگ و دیگر مردم که دستوری دارند، به دولت کورنش سر بلندی یابند و هر یک به جای خویش ایستاده شوند و دانش اندوزان عالی تبار و پیشه وران نادره پرداز نیایش گری نمایند و داروغگان دیده ور و تکبیران ژرف نگاه خواهش خود گزارش دهند و پاسه بانان داد نیز سواخ باز گویند - گیتی خدیو به ژرف نگری پانجه فرماید و انتظام هر کار به شایستگی سرانجام یابد - شمشیر بازان چابک دست و پهلوانان هر سرزمین در انتظار فرمایش پای خدمت افشند -

سوال نمبر ۲ - از متون زیر فقط دو تار را شرح بدید -

(الف)

عنی شد دل هر دو از یکدیگر
گر همت هر دو دوال کر
تهمن اگر دست بردی به سنگ
بکندی سیه کوه را روز جنگ
میان جوانان بد آگهی
بماند از هنر دست رستم تپی
فرو داشت دست از کمر بند او ای
تهمن چنان خیره رانده بدوی
دگر باره سهراب گزراں
ز زین بر کشید و پیشتر درال

EFG-45611

3

Contd.

(xii) No programmable Calculator is allowed.

(xiii) No stencil (with different markings) is allowed.

سوال نمبر ۱ - از متون های زیر فقط دو تار ترجمه کنید -

(الف)

شاعر باید که در مجلس محاورت خوشگویی بود و در مجلس معاشرت خوشروی و باید که شعر او بدان درجه رسیده باشد که در صحیفه روزگار مسطور باشد و برالسنة اترار مقروء - بر سفاین بنویسند و در دین بخوانند که خط او فرو تم افضل از شعر بقاء اسم است و تا مقروء و مسطور نباشد این معنی به حاصل نیاید - و چون شعر بدین درجه نباشد تا شیر او را اثر نبود و پیش از خداوند خود بمیرد - و چون او را در بقاءے خویش اثری نیست در بقاء اسم دیگری چه اثر باشد -

(ب) معلم کتابی دیدم در دیار مقرب ترشروی، تلخ گفتار، بدخوی ناپرهیزگار، مردم آزار، گدا طبع که عیش مسلمانان بدین اوتیه گشتی و خواندن قرآنش دل مردم صید کردی - جمعی پسران پاکیزه و دختران دوشیزه به دست بجای او گرفتار، نه زهره خنده و نه یارای گفتار، که عارض سیمین یکی را پلنچه زدی و که شاق بلورین دیگری کلنجی کردی - القصه شنیدم که طرنی از خاشاک نس او معلوم کردند و بزند و براندند و مکتب او را به مصلحتی دادند پارسای سلیم، نیک مرد علم که سخن جز به حکم ضرورت تلفتی و موجب آزار کس به زبانش نرفتی -

EFG-45611

2

Contd.

سوال نمبر ۳- اہمیت و ارزش مثنوی مولانا رام راہبری کنید۔

OR

مقالہ ای دربارہ تاریخ قصیدہ نگاری در زبان فارسی بنویسید۔

سوال نمبر ۴- حافظ را بہ عنوان شاعری معروف غزلسرا معرفی بنمائید۔

OR

بہار شہدی را از حیث شاعر جدید ایران معرفی بنمائید۔

سوال نمبر ۵- اہمیت و ارزش چہار مقالہ راہبری کنید۔

OR

ویژگیہای داستان نویسی جمال زادہ بنویسید۔

☆☆☆

(ب)

از چاشنی درد جدائی چه آگہند

یک شب، کسان کہ تلخ نگرند خواب را

طوفان نشان بدیدہ و قحط وفا بہ ہر

تقویم حکم، کی کند این فتح باب را

گر خاطرش میکشتم بیچارگان خوشست

یارب، کہ یار تاوک او کن صواب را

آفت جمال شاہد و ساقیت بہیدہ

بدنام کردہ اند بہ ہستی شراب را

خسر و سوز گریہ نیارد نگاہداشت

آری سفال گرم جوش آرد آب را

(ج)

بلبل از شوق گل و پروانہ از سودای شمع

ہر یکی سوزد بہ نوعی در غم جانانہ ای

گر اسیر خط و خالی شد دل، عیلم کن

مرغ جانی میرود کجا نجات آب و دانہ ای

بادشہ را غرق آ بادان، و دل خرم چه باک

گر گدائی جان دہد در گوشہ ویرانہ ای

کی غم بنیاد ویران دارد و آتش خانہ نیست

رو خیز گیر این معانی را از صاحب خانہ ای

این جنون تہمانہ بجنون را مسلم شد بہار

باش کز ما ہم قند اندر جہان افسانہ ای